

بررسی نقش دین در رفتارهای فردی و عمومی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

محمدحسین بادامچی*

چکیده

بسیاری از جامعه‌شناسان بر این باورند که فرآیند مدرنیزاسیون در کشورهای جهان سوم منجر به سکولار شدن افراد و دین می‌شود به این معنا که دین نقش اجتماعی خویش را در شکل‌دهی و هنجاربخشی امور مربوط به حوزه عمومی و اجتماعی را از دست می‌دهد و به قلمرو خصوصی افراد می‌خزد. آیا چنین فرآیندی در میان نسل جدید دانشجویان ایرانی که در دوره اوج مدرنیزاسیون جامعه ایرانی به دنیا آمده و در مهم‌ترین حامل‌های نهادی فرهنگ مدرن یعنی دانشگاه‌ها و مدارس مدرن زیسته‌اند اتفاق افتاده است؟ برای پاسخ به این پرسش دو پارامتر «نقش دین در رفتارهای فردی» و «نقش دین در رفتارهای عمومی» را تعریف کرده و آن را به صورت پرسشنامه‌ای در میان دانشجویان ورودی‌های ۸۴ تا ۹۱ دانشگاه شریف مورد سنجش قرار می‌دهیم. در نهایت به نظر می‌رسد که نه تنها نقش دین در رفتارهای عمومی دانشجویان بسیار کم‌رنگ است و تنها حدود ۳۱ درصد به دخالت دین در رفتارهای عمومی خود قائلند، بلکه ابعاد غیر فقهاتی دین هم در حال از دست دادن اهمیت خود در شکل‌دادن رفتارهای فردی دانشجویان هستند، به طوری که در برابر ۵۵ درصد معتقدین صرف به احکام فردی فقهی، تنها ۲۶ درصد دانشجویان به ابعاد غیر فقهاتی دین نیز قائلند.

واژه‌های کلیدی: سکولار شدن، دین‌داری، نقش دین در رفتارهای فردی و عمومی،

مدرنیزاسیون، دانشگاه شریف

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدیر آموزش و پژوهش مرکز علمی کاربردی شهرستان نورآباد

مقدمه

حیات فردی و اجتماعی ایرانی دو نسل پیشتر از این و پیش از نزول سیاسی، فرهنگی و اجتماعی غرب بر سر شرق، حیاتی سستی بود که با تسامحی جامعه‌شناختی می‌توان آن را دینی تصور نمود. در واقع هر چند حوزه‌های اجتماعی جهان قدیم به وجه امروزی توسعه یافته و تفکیک شده نبود و اقتصاد، سیاست، تربیت و خانواده به نسبت جوامع امروز سخت در هم تنیده و کم‌دامنه به نظر می‌رسید، معنابخشی، تفسیر و هنجاری بخشی زندگی فردی، عمومی و اجتماعی مردمان را «دین» تکفل می‌کرد. مردم در جهان یکپارچه‌ای زندگی می‌کردند که مفاهیم و عناصر دینی کافی برای توضیح وضعیت و تبیین هنجارها و معانی خوب و بد وجود داشت. هر چند لزوماً التزام عملی به بینش دینی و شریعت اسلامی مثل همه اعصار تام و تمام نبود، اما آنچه سپهر فرهنگی عرفی جامعه را می‌ساخت اعتقادات و احکام دینی بود که تولد و مرگ، آداب کاسی، هنجارهای خانوادگی، اخلاق معاشرت، مناسک عمومی و تمام لحظه‌های فردی و اجتماعی را تفسیر، تجویز و اداره می‌کرد.

چنین تصویری از نقش دین در جهان سنت که توسط جامعه‌شناس آمریکایی، پیتر برگر، با تعبیر درخشان «سایبان مقدس» مطرح می‌شود با ورود مدرنیته به جامعه سستی به شدت دستخوش چالش می‌گردد. مدرنیته در شکل متأخر آن به صورت جامعه‌ای با نهادهای اجتماعی تمایز یافته و مستقل درآمده است که هر یک نظام‌های معنابخشی خود را نه از دین که از عقلانیت و دانش ابزاری فایده‌گرایی می‌گیرد که به مرور زمان مستقل از دین بالیده و اکنون درون این حوزه‌ها متمرکز و نهادینه شده است و مشروعیتی خودبنیاد^۱ را برای این نهادها حاصل کرده است. ورود مستقیم این نهادهای عرفی دنیای مدرن در فرآیند مدرنیزاسیون به کشورهای شرقی و جهان سوم، این سایبان مقدس را در گیرودار یک انتخاب بزرگ برای تطبیق با شرایط جدید منخیر می‌کند: یا خود را گسترش دهد تا بتواند بار دیگر چتر قدسی خویش را بر عناصر اجتماعی سایه‌افکن کند یا به گوشه‌ای ایمن از دنیای مدرن بخزد تا بدون دستبرد روحیه سکولار و دین‌زدای مدرن بقا یابد، گوشه ایمنی که برگر «قلمرو خصوصی» شهروندان را تنها مصداق آن می‌داند (برگر، ۱۳۸۱، ص ۸۸). گرچه برگر از شق اول فوق‌الذکر چیزی نمی‌گوید و حتی انقلاب ایران را بعنوان جوشش دین از حوزه خصوصی که به حوزه عمومی هم سرایت می‌کند تعبیر می‌کند (Berger, 1974: 125 به نقل از، یوسف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲) اما ناگفته پیداست که یکی از دایه‌های همیشگی اسلام در ایران، تمشیت و هدایت امور اجتماعی بوده است که با ظهور حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی تجلی عینی می‌یابد.

1. autonomous

طرح مسأله و اهمیت تحقیق

در چنین شرایطی دو جریان کلان فکری- اجتماعی در جامعه ما جاریست. از یکسو جریان اجتماعی انقلاب اسلامی در صدد بازگرداندن دین به حوزه عمومی و حضور حداکثری دین در تمام ساحت‌های حیات فردی و اجتماعی ایرانیان است و از سوی دیگر برنامه مدرنیزاسیون در صدد تأسیس و استقرار هرچه بیشتر نهادها و جامعه مدرن با تمام ملحقیات آن در جامعه ایرانی است و در واقع از تبعید دین به حوزه شخصی و عدم دخالت آن در امور اجتماعی که اصطلاحاً سکولاریسم نامیده می‌شود سخن می‌گوید. حال سؤال اساسی اینجاست که در گِرو دار منازعات اجتماعی این دو جریان که به ویژه صحنه سیاست، اقتصاد و علوم انسانی را در این سال‌ها در نوردیده است، دانشجویان، به عنوان نسل جدیدی که در مقطع خاصی از این تقابل به دنیا آمده و بالیده‌اند چه موضعی نسبت به دین و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی خود اتخاذ کرده‌اند؟

این پرسش از چند حیث اهمیت ویژه‌ای در توصیف و تحلیل وضعیت فرهنگی امروز جامعه ما دارد: از یکسو دانشگاه امروزین ایرانی نهادی مدرن است که در کشور ما از حدود هفتاد سال پیش جایگزین نهاد سنتی علم یعنی حوزه‌های علمیه گشته است. جامعه‌شناسان دانشگاه را مهم‌ترین حامل^۱ فرهنگ، عقلانیت، هنجارها و به صورت کلی مفاهیم مدرن می‌دانند و به همین دلیل است که بررسی وضعیت دین در دانشگاه‌ها را یکی از کانونی‌ترین محورهای تحقیقاتی در بررسی مواجهه جامعه سکولار مدرن و جامعه دینی سنتی قلمداد می‌کنند. در واقع پاسخ به این پرسش‌نمایی مهم از مقابله این دو جریان را در بحرانی‌ترین محل‌های مواجهه یعنی دانشگاه به نمایش می‌گذارد که می‌تواند تصویر گویایی از مجموع فرآیند حاضر در کلیت جامعه ایرانی ارائه دهد.

وجه دوم اهمیت تحقیق از این زاویه است که در گِرودار معارضه بنیادین جامعه ایرانی با مدرنیته به ویژه در اوایل انقلاب اسلامی و سال‌های دهه پنجاه و شصت نسلی به وجود آمدند که در اوج مباحثات تئوریک و با لمس بسیاری از واقعیات و به ویژه رژیم غرب‌گرای پهلوی، انقلاب اسلامی و رهبری دینی حضرت امام موضعی نسبت به نقش دین در جامعه یافتند و حال آن که نسل جدید به دنیا آمده در سال‌های پس از جنگ به صورت متفاوتی با این مسأله مواجه شده‌اند. بلوغ تمامی دانشجویان نسل جدیدی که موضوع این تحقیقند در سال‌های دهه هشتادی است که تمام این مباحثات به لایه‌های زیرین جامعه فرونشسته و آنها هم در اوج فرآیند مدرنیزاسیون جامعه

1. carrier

ایرانی پرورش یافته‌اند. از این حیث بررسی و شناخت اندیشه‌های این نسل که متفاوت است و کمتر مورد توجه مستقیم قرار گرفته، اهمیت شایانی دارد. به صورت کلی توجه به این نکته درباره این تحقیق لازم است که عمده تحقیقات فلسفی و جامعه‌شناختی تا امروز ابعاد و نوع این تقابل را در میان «روشنفکران» پیگیری کرده‌اند و وضعیت این تعارض در میان مردم و به ویژه دانشجویان کمتر مورد توجه قرار گرفته است (به عنوان نمونه ر.ک به: نیک‌پی، ۱۳۷۸).

وجه سوم اهمیت این تحقیق، اهمیت دانشگاه شریف و دانشجویان آن است. دانشگاه شریف مهم‌ترین دانشگاه فنی - مهندسی کشور است که به واسطه غلبه رشته‌های فنی بر انسانی در نظام آکادمیک ما می‌توان آن را مهم‌ترین دانشگاه کشور دانست که الگوی بسیاری از دانشگاه‌های کشور است. دانشجویان این دانشگاه هم از حیث آکادمیک عموماً از رده بالای دانش‌آموزانند و از منزلت اجتماعی و اثرگذاری بالایی برخوردارند. به همین دلیل بررسی نقش دین در دیدگاه‌ها و رفتارهای این قشر و به صورت کلی بررسی جو فرهنگی دانشگاه شریف از این حیث را می‌توان از مهم‌ترین تحقیقات فرهنگی زیربنایی در جهت شناخت فرهنگی جریان نخبگانی کشور تلقی کرد.

چارچوب نظری

برای بررسی نقش دین در رفتارهای فردی و جمعی و دامنه اثرگذاری آن در افراد، باید مروری بر ادبیات سکولار شدن که شاید مهم‌ترین شاخه رشته جامعه‌شناسی دین باشد داشته باشیم. سکولار شدن در عام‌ترین معنای جامعه‌شناختی^۱ خود به فرآیند «نزول موقعیت و اهمیت دین نزد فرد و جامعه» اطلاق می‌شود (شجاعی‌زند، ۱۳۸۵، ص ۳۳). در فرآیند سکولار شدن جامعه، دین به تدریج از همه‌کارگی در حیات فردی و اجتماعی باز می‌ماند و با گذر از دوره‌ای میانی که با تنزل یافتن به عنوان یکی از نهادهای جامعه، سیطره هنجاری خویش را از دست می‌دهد و به یکی از بازیگران اجتماعی در عرض بازیگران دیگر سکولار (مدارس، احزاب، پارلمان و دولت سکولار) مبدل می‌شود، در نهایت به یکی از عناصر شخصی «قلمرو خصوصی» سقوط می‌کند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶، ص ۴۰ - ۴۱).

اکثریت جامعه‌شناسان دین متفق‌القولند که گسترش مدرنیته در سطح اجتماعی دین را به حاشیه می‌راند (همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹ و Dilon, 2006, 562). از نظر پرگر «در طول بخش

۱. سکولار شدن را می‌توان در چارچوب‌های مختلفی تحلیل کرد که رهیافت‌های متفاوتی به بار می‌آورد. از این قسم است تحلیل سکولار شدن در دین پژوهی، تحلیل سکولار شدن در فلسفه سیاسی، تحلیل سکولار شدن در معرفت‌شناسی و... برای توضیح برخی رهیافت‌ها نگاه کنید به نوروزی (۱۳۸۸)

اعظمی از تاریخ موجود بشر، دین در ایجاد چتری فراگیر از نمادها برای یکپارچگی با معنای جامعه نقشی اساسی بر عهده داشته است. معانی، ارزش‌ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتاً از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت که زندگی انسان را به کل نظام عالم ربط می‌داد یکپارچه می‌شدند. در واقع از منظر جامعه‌شناسانه و روان‌شناختی - اجتماعی دین را می‌توان به عنوان ساختاری شناختی و هنجاری توصیف کرد که احساس «بودن در کاشانه خود» در جهان هستی را برای انسان ممکن می‌سازد» (برگر، ۱۳۸۱، ص ۸۹). با این حال با ظهور مدرنیته به تدریج این چتر مقدس فرو می‌پاشد و جای خویش را به جامعه‌ای متکثر^۱ می‌دهد. تکثری که برگر آن را معادل «شکسته شدن انحصار ادیان سنتی در تعریف واقعیت و مدارای با حریفان قدرتمند قانونی» (جلیلی، ۱۳۸۵، ص ۹۶) یا به عبارت بهتر «مستقل شدن فزاینده بخش‌های جامعه از استیلای معنا و نهادهای دینی» (بروس، ۱۳۸۷، ص ۵۶) تعریف می‌کند.

تقلیل یافتن قلمرو امر قدسی و امحای تدریجی ارزش‌های دینی از امورات دنیوی به ویژه در اقتصاد، یکپارچگی شناختی - هنجاری جهان اجتماعی فرو می‌ریزد و تکثر ارزشی جای آن را می‌گیرد. نهایتاً «با چندگانه شدن زیست‌جهان‌های اجتماعی این وظیفه قدیمی دین [معنابخشی تمامیت اجتماعی] به طور جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد. از این پس بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی تحت اداره معانی و نظام‌های معنایی به طور کامل ناسازگار درمی‌آیند... در شرایطی که دین ناگزیر به «تخلیه» نواحی عرصه عمومی یکی پس از دیگری بود، موفق شد تا خود را در حکم نوعی بیان معنا در عرصه خصوصی حفظ کند» (برگر، ۱۳۸۱، ص ۸۷ - ۸۸).

بنابراین پیتر برگر معتقد است که قلمرو خصوصی افراد تنها قلمرویی از جهان جدید است که دین در آنجا امکان ادامه حیات می‌یابد. در حقیقت همین تغییر جایگاه دین در حیات اجتماعی است که «سکولار شدن» نامیده می‌شود. در فرآیند سکولار شدن دین نزد افراد به نوعی قرائت خصوصی شده تقلیل می‌یابد که کم‌ترین اصطکاک را با باورها و ارزش‌های عمومی پیدا کند. شاینر در بخشی از مقاله مفهوم‌شناختی خود که عنوان «سکولار شدن به معنی رهایی جامعه از قید دین» دارد، می‌نویسد: «نقطه اوج این نوع سکولار شدن، پدید آمدن دینی کاملاً درونی است که تأثیری بر نهادهای اجتماعی و اعمال جمعی ندارد» (شاینر، ۱۳۸۳، ص ۲۷). لاکمن هم با استدلالی مشابه برگر معتقد است «ویژگی جوامع معاصر عدم نیاز به نظام‌های فراگیر ارزشی است، زیرا آن‌ها به مشروعیت دینی نیاز ندارند. [به همین دلیل] دین به جنبه‌ای از زندگی خصوصی تبدیل می‌شود»

«همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۳۰۱). شجاعی زند هم در توضیح فرآیند سکولار شدن عناصر «منسی و مغفول گذاشتن حوزه حیات جمعی» و «دست شستن از دواعی ایدئولوژیک» را از عناصری می‌داند که در جریان «فروگاهی دین به ایمان» منجر به عرفی شدن آن می‌شوند (شجاعی زند، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴).

آنچه ما در پی آنیم جستجوی همین مطلب است که آیا حضور نهادهای مدرن در جامعه ایرانی و مواجهه هرچه بیشتر نسل جدید با فرهنگ و عقلانیت سکولار مدرن منجر به ظهور نوعی دینداری فردگرایانه که کم‌ترین اصطکاک را با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مدرن و کمترین تأثیرگذاری را بر رفتارهای عمومی و اجتماعی دانشجویان داشته باشد، شده است؟

ادبیات پیشینی

عمده تحقیقاتی که پیرامون دانشجویان و دین انجام شده معطوف به سنجش «دینداری» دانشجویان است. دینداری در ادبیات جامعه‌شناسی دین به حداقلی از امور دینی اطلاق می‌شود که در صورت رعایت آن توسط فرد می‌توان او را دین‌دار نامید و بر اساس همین توضیح با چهار بعد اعتقادی، عملی یا مناسکی، پیامدی، تجربی تعریف می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۴). تحقیقات سنجش دینداری دانشجویان به طور عمده میزان دینداری دانشجویان را بالا تصویر کرده اما میزان مشارکت در مناسک جمعی را رو به افول تلقی می‌کنند (آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۷). با این حال آنچه مورد پرسش این تحقیق است نه میزان التزام و اعتقاد به دین بلکه میزان دخالت دادن دین در رفتارهای فردی و عمومی است که البته در برخی نقاط با همدیگر هم‌پوشانی دارند.

تحقیقات اندکی در رابطه با این موضوع انجام شده که همین تعداد اندک هم تمرکز کمتری روی رفتارها داشته‌اند. از این جمله می‌توان به تحقیق مرشدی در دانشگاه امیرکبیر اشاره کرد که گرایش به سمت «عقب‌نشینی در برابر عقل عرفی» و «نیت‌گرایی» را در میان عده‌ای از دانشجویان تشخیص داده است، به این معنا که دانشجویان تمایل به نوعی دین‌داری درون‌گرایانه که بروزات بیرونی چندانی نداشته باشد پیدا کرده‌اند (مرشدی، ۱۳۸۴). ذوالفقاری هم در تحقیقی که سال ۸۶ در دانشگاه‌های تهران انجام داده گرایش به قرائت سکولار و تجددگرایانه از دین را در میان ۵۰ درصد دانشجویان مطرح کرده که به معنی پذیرش فرهنگ غربی و عقب‌نشینی فرهنگ اسلامی در میان آنهاست (ذوالفقاری، ۱۳۸۸، ص ۹۳). نزدیک‌ترین تحقیق به تحقیق حاضر پیمایش آزاد ارمکی و زارع در سال ۸۳ در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران است که آنچه به عنوان نگرش دینی مورد سنجش قرار داده‌اند عملاً همین چیزی است که در این تحقیق نقش دین در رفتارها نامیده شده است (آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۷). جالب اینجاست که این تحقیق هم به نتایج مشابهی دست یافته که در قسمت نتیجه‌گیری مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

برای بررسی نقش دین در رفتارهای فردی و عمومی دانشجویان دو متغیر اصلی «دین در رفتارهای فردی» و «دین در رفتارهای عمومی» را تعریف می‌کنیم. برای عملیاتی کردن پارامتر رفتارهای فردی آن را ترکیبی از ابعاد خوردن و آشامیدن، نجاست و طهارت، تقلید دینی، امور اخلاقی، مشاوره روانی، اهداف زندگی؛ تلقی کردیم که هر یک حوزه مهمی از تصمیمات و اعمال فردی یک نفر در زندگی را تشکیل می‌دهد. رفتارهای عمومی را نیز ترکیبی از هویت‌یابی جمعی، معیار حدود ارتباط با جنس مخالف، حد تماس بدنی با جنس مخالف، آزادی در انتخاب پوشش، حدود پوشش در جامعه؛ تا نقش دین در تعاملات اجتماعی و حضور عمومی افراد را جویا شویم. در نهایت گویه‌های زیر برای پرسشنامه نهایی طراحی شد تا پاسخ دهندگان نظر خود را در طیف ۵ قسمتی لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم ابراز نمایند.

بر اساس فرمول کوکران در سطح اطمینان ۵ درصد و احتمال ۹۵ درصد جمعیت مورد نیاز نمونه‌گیری ۳۸۴ تا معین می‌شود که بر اساس شیوه نمونه‌گیری تداخلی طبقه‌بندی و خوشه‌ای انجام شد به این صورت که ۱۲ طبقه با ترکیب دو متغیر زمینه‌ای اصلی سال میزان تحصیلات و جنسیت ساخته می‌شود و به خاطر اینکه واریانس تغییرات میان رشته‌ها کم و داخل رشته‌ها زیاد است توزیع را به صورت تصادفی در میان رشته‌های خاصی اجرا می‌کنیم (مولر، ۱۳۸۹، ص ۴۱۴-۴۱۵).

در نهایت جامعه آماری چنین از حیث متغیرهای زمینه‌ای مجموعه بازه سنی ۱۸ تا ۳۱ سال را پوشش داده که میانگین سنی ۲۲/۳ و نمای سن ۲۳ سال است. از میان ۹۱ درصدی که از محل تولد خود خبر داده‌اند، نیمی متولد تهران و نیمی شهرستان هستند در حالی که همین تعداد پاسخ دهنده ۲۳ درصد خود را ساکن شهرستان و ۷۷ درصد ساکن تهران معرفی کرده‌اند. این میزان بالای اقامت در تهران نه به معنای مهاجرت خانواده‌ها به تهران و نه به معنای توطن دانشجوی در تهران است بلکه به معنای آن است که خوابگاهی‌ها هم محل سکونت خود را تهران اعلام کرده‌اند. حدوداً ۹۰ درصد مجرد و ۱۰ درصد دانشجویان متأهلند. از میان ۸۷ درصدی که تحصیلات پدرشان را گفته‌اند، پدران دانشجویان ۸ درصد زیردیپلم، ۲۲ درصد دیپلم، ۲۸ درصد فوق دیپلم و لیسانس، ۱۷ درصد فوق لیسانس و ۱۳ درصد دکترا و فوق دکترا هستند.

اعتبار پرسشنامه هم بر اساس اعتبار صوری و با مشورت اساتید به دست آمده و هم بر اساس آزمون اعتبار سازه‌ای که با استفاده از نرم‌افزار در بررسی توزیع اولیه پرسشنامه در یک نمونه ۳۴

نفره عدد مناسب ۰,۷۸ را برای پارامتر نقش دین در رفتارهای فردی و ۰,۶۴ برای نقش دین در رفتارهای عمومی به دست داد. پایایی آن برای پارامتر نقش دین در رفتارهای فردی معادل ۰,۸۶ و برای پارامتر نقش دین در رفتارهای عمومی ۰,۸۴ به دست آمد که پایایی خوبی را نشان می‌دهد.

نتایج تحقیق

با توزیع و جمع‌آوری پیمایش و وارد کردن اطلاعات در نرم‌افزار SPSS نتایج زیر به دست می‌آید:

جدول ۱: نقش دین در رفتارهای فردی

نژده	کاملاً مخالفم	مخالفم	بینابین	موافقم	کاملاً موافقم	گویه‌ها
۴,۱	۳۶/۷	۱۵/۶	۱۶/۴	۱۲/۶	۱۴/۶	۱) آشامیدن مشروبات الکلی به اندازه کم، که ضرری برای بدن نداشته باشد، اشکالی ندارد.
۵,۱	۴۴/۹	۱۹/۰	۱۲/۳	۱۲/۱	۱۰/۳	۲) بحث نجس بودن سگ و حرام بودن گوشت خوک بحثی متعلق به دوره‌ی فقدان بهداشت است و امروز موضوعیت ندارد.
۰/۸	۲۲/۶	۲۶/۷	۲۰/۵	۱۷/۴	۱۲/۱	۳) برای تشخیص خوبی و بدی اعمال، عقل هرکسی برای او کفایت و تقلید دینی ضرورتی ندارد.
۴/۴	۱۷/۷	۲۸/۷	۱۷/۹	۱۸/۲	۱۳/۱	۴) انجام کارهای اخلاقی (مثل کمک به مستمندان) تنها از سر انسان دوستی، ارزش کامل ندارد و باید نیت الهی در کار باشد.
۴,۱	۵/۹	۹/۲	۳۵/۴	۲۳/۳	۲۲/۱	۵) ترجیح بر اینست که انسان برای تشخیص مصالح روحی و روانی خود به یک روان‌شناس مراجعه کند تا به یک روحانی.
۲/۳	۱۴/۹	۱۸/۲	۱۵/۶	۲۹/۲	۱۹/۷	۶) هرکسی می‌تواند در زندگی هر هدفی را انتخاب کند و لزوماً دین تعیین‌کننده بهترین اهداف نیست.

جدول ۲: نقش دین در رفتارهای عمومی

نوده	کاملاً مخالفم	مخالفم	بینابین	موافقم	کاملاً موافقم	گویه‌ها
۱/۳	۴/۴	۱۶/۲	۲۱/۰	۲۵/۹	۳۱/۳	۷) نحوه تعامل با دیگران و قضاوت درباره آن‌ها به هیچ وجه نباید متأثر از وضعیت دینداری (اعتقادات دینی، روحیات دینی، التزام عملی و...) آنها باشد.
۴/۴	۱۷/۲	۲۱/۵	۱۹/۰	۲۰/۸	۱۷/۲	۸) در تعیین حدود ارتباط با جنس مخالف در فضای اجتماعی، تنها طرفین باید تعیین‌کننده باشند و نه هنجارها و قوانین دینی.
۱/۳	۲۳/۸	۱۸/۵	۱۲/۶	۱۸/۷	۲۵/۱	۹) دختران و پسران نامحرم به هیچ وجه نباید ارتباطی داشته باشند که با تماس بدنی همراه باشد.
۱/۵	۳۰/۵	۲۱/۸	۱۵/۹	۱۴/۹	۱۵/۴	۱۰) پایبندی به حدود دینی پوشاندن موی سر و بدن، بر تمام زنان جامعه لازم است.
۳/۱	۹/۷	۱۳/۸	۱۳/۱	۲۳/۶	۳۶/۷	۱۱) مسلمان و غیرمسلمان در اینکه چگونه بپوشند و خود را بپوشانند، باید آزاد باشند.

چنانچه پاسخ‌های دریافت شده را بر اساس میزان نقش پررنگ‌تر دین (یا به عبارت بهتر پاسخ‌های دینی ابراز شده) مرتب کنیم به موضوعات زیر دست می‌یابیم:

در حوزه رفتارهای فردی (مرتب شده بر اساس نقش مؤثرتر دین)

۱) گوئی دو) نجاست سگ و حرمت خوک: ۶۳,۹

۲) گوئی یک) مشروبات الکلی: ۵۲,۳

۳) گوئی سه) تقلید دینی: ۴۹,۳

۴) گوئی شش) هدف در زندگی: ۳۳,۱

۵) گوئی چهار) امور اخلاقی: ۳۱,۳

۶) گوئی پنج) مشاوره روانی: ۱۵,۱

میانگین کلی: ۴۰,۸۳ درصد

سه تای اول: ۵۵,۱۶

سه تای دوم: ۲۶,۵

در حوزه رفتارهای عمومی (مرتب شده بر اساس نقش مؤثرتر دین)

(۱) گویه نه) تماس بدنی با جنس مخالف: ۴۳,۸

(۲) گویه هشت) معیار حدود ارتباط با جنس مخالف: ۳۸,۷

(۳) گویه ده) حدود پوشش در جامعه: ۳۰,۳

(۴) گویه یازده) آزادی در انتخاب پوشش: ۲۳,۵

(۵) گویه هفت) هویت یابی جمعی: ۲۰,۶

میانگین: ۳۱,۳۶ درصد

به صورت کلی چنین می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی اعتقاد به حضور دین در رفتارهای فردی و عمومی دانشجویان کمتر از نصف دانشجویان را شامل می‌شود. افزون بر این همانطور که انتظار می‌رفت پاسخ‌های دینی ابراز شده در رفتارهای عمومی کمتر از پاسخ‌های دینی حوزه خصوصی است، به علاوه که در رفتارهای عمومی هرچقدر از اعمال عمومی تر (قضاوت دینی درباره دیگران) به اعمال نزدیک‌تر به حوزه خصوصی (تماس بدنی نامحرم) نزدیک می‌شویم حضور دین جدی‌تر می‌شود.

درباره رفتارهای فردی هم باید به این نکته توجه داشت که تفاوت فاحشی میان حضور دین در رفتارهای فردی‌ای که فقه درباره آنها ابراز نظر کرده با رفتارهای دینی دیگری که خارج از قلمرو فقه و بیشتر متأثر از فرهنگ و عقلانیت دینی است وجود دارد. میانگین پاسخ‌های دینی گزاره‌های فقهی ۵۵ درصد است و حال آن که میانگین حضور دین در سه گویه دوم ۲۵ درصد است که حتی از حضور دین در رفتارهای عمومی هم کمتر است.

برای معنادارتر شدن نتایج بدست آمده بد نیست که این نتایج را با نتایجی که از گویه‌های مشابه در تحقیق آزاد ارمکی و زارع از دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال ۸۳ بدست آمده (آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۷) مقایسه کنیم.

جدول ۳: مقایسه نتایج بدست آمده از تحقیق حاضر با تحقیق آزاد ارمکی و زارع

عنوان رفتارهای فردی و عمومی	نتایج تحقیق در دانشجویان دانشگاه‌های شریف در سال ۹۱	نتایج تحقیق در دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال ۸۳
مخالفت با مصرف مشروبات الکلی	۵۲,۳	۵۶,۲
اعتقاد به تقلید دینی	۴۹,۳	۳۶,۴
تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری بر اساس منطق دینی	۳۳,۱	۲۶
نیت دینی در امور اخلاقی	۳۱,۳	۳۲,۳
اعتقاد به محدودیت در ارتباط با جنس مخالف	۳۸,۷	۶۲
عدم ارتباط بدنی با نامحرم	۴۳,۸	۵۴,۶
ضرورت حجاب	۲۳,۵	۳۵,۶
الزام حجاب در جامعه	۳۰,۳	۲۵,۳

آمار آزاد ارمکی و زارع اگرچه مربوط به سال ۸۳ و کل دانشگاه‌های تهران هستند مقایسه آن با آمار سال ۹۱ شریف نکات جالبی را در بردارد. نکته بسیار اساسی اینکه آمار در مجموع مشابهت بسیاری را نشان می‌دهند که حکایت از حضور جریان فرهنگی پر قدرتی در دانشگاه‌ها در جهت حذف دین از رفتارهای فردی و عمومی دانشجویان دارد.

نتیجه دوم اینکه به نظر می‌رسد دینداری به معنای جامعه‌شناختی آن یعنی اعتقادات و عمل به احکام دینی در دانشگاه شریف وضعیتی به مراتب بالاتر از دانشگاه‌های دیگر دارد و در مجموع از دانشجویان متدین‌تری برخوردار است به طوری که آمار تقلید دینی آن حدود ۱۵ درصد بالاتر است. علت نسبت دادن این وضعیت به دانشگاه شریف و نه تفاوت ۸ ساله این آمار این است که اصولاً آمارها نشان از افول تمایل به تقلید دینی و جانشین شدن عقل دارد.

نتیجه سوم قابل استنتاج در افول جدی موقعیت دین در شکل دادن رفتارهای عمومی دانشجویان در موضوع ارتباط با جنس مخالف و حجاب ریشه دارد به طوری که افت ۲۳ درصدی پاسخ‌های دینی در موضع‌گیری نسبت به روابط نامحرم مشاهده می‌شود و افت ده درصدی در موضوع ضرورت پوشش دینی و ارتباط بدنی با نامحرم. به نظر می‌رسد که چنین افتی را بیشتر باید به گذر زمان و روند فرهنگی ۸ سال گذشته جامعه نسبت داد تا تفاوت دانشگاه شریف با دانشگاه‌های دیگر هر چند تحقیقات دیگری برای فهم تفاوت‌های فرهنگی میان دانشگاه‌ها نیاز است. در نهایت چنین به نظر می‌رسد که وضعیت فرهنگی دانشگاه‌ها به شدت تحت تأثیر فرآیند سکولاریزاسیونی است که در صدد تبعید دین به قلمرو خصوصی و استقرار فرهنگ مدرن در سطح عمومی است. رفتارهای عمومی دینی به واسطه اصطکاک‌هایی که با عرف مستقر مدرن در دانشگاه‌ها پیدا می‌کند فرسایش می‌یابد و نهایتاً دانشجویان ابعاد دینداری را که مزاحمتی برای تعاملات اجتماعی او به وجود نمی‌آورد در اعمال شخصی خود حفظ می‌کند و باقی را رها می‌کند. جالب اینجاست که به واسطه فقدان گفتمان‌سازی فرهنگی صحیح ابعادی از دین غیر از احکام فقهی و رساله‌ای مانند اخلاق دینی، هدف‌گذاری دینی و مشاوره دینی که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دادن حیات دینی برای دانشجویان را دارد نقش خود را در ذهنیت‌ها و رفتارهای دانشجویان از دست داده است که تمامی اینها بر ضرورت فرهنگ‌سازی‌های بنیادین و اصلاحات ساختاری دانشگاه‌ها صحنه می‌گذارد.

منابع

- آزاد ارمکی و زارع، (۱۳۸۷)، دانشگاه، مدرنیته و دینداری، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی.
- برگر، پیتر؛ بریجیت برگر؛ هانسفرید؛ کلنر، (۱۳۸۱)، *ذهن بی‌خانمان*، تهران، نشر نی.
- بروس، استیو، (۱۳۸۷)، *ملل سکولار شدن غرب*، ترجمه محمدمسعود سعیدی، تهران، گام نو.
- جلیلی، هادی، (۱۳۸۵)، *سکولار شدن*، طرح نو.
- ذوالفقاری، ابوالفضل، (۱۳۸۸)، رابطه میزان دینداری (التزام دینی) با نوع دینداری، دکتر ابوالفضل ذوالفقاری، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۴۹.
- شاینر، لاری، (۱۳۸۳)، *مفهوم سکولار شدن در پژوهش‌های تجربی*، ترجمه سید حسین سراج‌زاده؛ منتشر شده در چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن، سراج‌زاده، تهران، طرح نو.
- شجاعی‌زند، علیرضا، (۱۳۸۵)، مسیرهای محتمل در عرفی شدن ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، ش ۱.
- _____، (۱۳۸۶)، بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰.
- _____، (۱۳۸۰)، *دین، جامعه و عرفی شدن*، تهران، نشر مرکز.
- _____، (۱۳۸۴)، *مدلی برای سنجش دینداری در ایران*، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱.
- مرشدی، ابوالفضل، (۱۳۸۴)، بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان، مطالعه موردی دانشگاه امیرکبیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مولر، جی.اچ؛ شوسلر، کی.اف و کاستنر، اچ.ال، (۱۳۸۹)، *استدلال آماری در جامعه‌شناسی*، چ ۱، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- نیک‌بی، امیر، (۱۳۷۸)، *ایدئولوژی، دین و انقلاب ایران*، فصلنامه متین، ش ۳ و ۴.
- همیلتون، ملکم، (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر ثالث.
- یوسف‌زاده، حسن، (۱۳۸۸)، *نگاهی به تحول آراء پیتر برگر درباره سکولاریسم*، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، ش ۱.

Berger, P., Some Second Thoughts on Substantive versus Functional Definitions of Religion, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 13, No. 2, 1974, Pp 125-133.

Dillon, Michele, *Secularization*, The Cambridge Dictionary of Sociology, General Editor Brayan S. Turner, New York, Cambridge University Press (2006), p 562.